روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۶۰۳۶۱۲۲ • تلفن آگهی‌ها: ۸۸۹۴۲۰۳۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲


# روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

دوشنبه • ۲۲ اردیبهشت ۱۳۹۹ • ۱۷ رمضان ۱۴۴۱ • ۱۱ می ۲۰۲۰
سال هفدهم • شماره ۳۷۱۷ • ۱۶ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۰۱ • اذان مغرب ۲۰:۱۹
اذان صبح فردا ۴:۲۴ • طلوع آفتاب ۶:۰۲

fardashargh@gmail.com

روزنامه فردا


نور نوشت

راهبان بودایی تازه‌کار با ماسک‌های محافظ سر کلاس مذهبی، تایلند، عکس: Gemunu Amarasinghe. AP

کمپین

## وقتی تحریم و سوءمدیریت راه «نفس» را سخت کرد

از اسفند سال گذشته بود که کمپین «نفس» با هدف تهیه اقلام پزشکی و تجهیزات محافظت فردی فعالیت داوطلبانه‌اش را آغاز کرده است. هدفی که در شبکه‌های اجتماعی و سایت‌های اتاق‌های بازرگانی متعدد آن مطرح شد، استفاده از پتانسیل و قابلیت بخش خصوصی در روزگاری است که کرونا مشکلات فراوانی را برای ایران به وجود آورده است. به سراغ «فرزین فردیس» یکی از دست‌اندرکاران این کمپین و عضو هیئت نمایندگان اتاق تهران رفتیم تا در آستانه فاز دوم این کمپین، درباره مسیری که تاکنون طی کرده‌اند و در پیش دارند، جزئیاتی را بدانیم. مسیری که با تحریم‌ها و ممنوعیت‌ها همراه بوده است.

**می‌توانید درباره روند اجرائی‌شدن کمپین نفس و واردات و تهیه اقلام پزشکی و نحوه فعالیت آن توضیح بیشتری دهید.**

خوشبختانه کمپین نفس توانسته است از حمایت فعالان بخش خصوصی و اتاق‌های بازرگانی برخوردار و همچنین توانسته در برخی از موارد از کمک‌های افراد در خارج از کشور بهره‌مند شود. برخی از فعالان اقتصادی ایرانی که در اروپا و آسیای شرقی حضور داشتند توانستند در تهیه برخی از اقلامی که کمپین تأمین کرده مشارکت کنند. آنها اعتبار و امکانات شرکتشان را در اختیار کمپین قرار دادند و درنتیجه هم فرایند تحویل پول و هم فرایند تحویل کالا را ساده‌تر و امکان‌پذیر کرده‌اند. البته بحث‌هایی که اتاق‌های بازرگانی با سایر اتاق‌های بازرگانی بین‌الملل داشته‌اند هم کمک کرده است.

**آیا تحریم‌ها تأثیری بر روند فعالیت این کمپین خیرخواهانه داشته است؟**

واقعیت این است که تحریم‌ها در چند جنبه محدودیت‌هایی ایجاد کرده است. اول از همه نحوه انتقال پول بود که به راحتی شرایط عادی ممکن نبوده است نکته دوم اینکه بعضی از هم‌وطنان خارج از کشور خیلی علاقه‌مند به کمک بودند یا حتی شرکت‌هایی هم در خارج از کشور بودند که حوزه فعالیتشان متناسب با نیازمندی‌هایی کمپین یعنی (تجهیزات پزشکی یا محافظت فردی نبوده) که بتوانند اقلامی را خریداری و به کمپین اهدا کنند اما علاقه‌مند بودند از نظر مالی مشارکت کنند اما نتوانستیم شماره حسابی برای کمپین اعلام کنیم تا کمک‌هایشان را دریافت کنیم چراکه نگرانی‌هایی برای بلوکه‌شدن حساب یا پیش‌آمدن مشکل برای این افراد مطرح بود. کمک‌هایی که بعضا رقم‌های قابل توجهی بود اما نتوانستیم از آنها برخوردار شویم.

**پس کمپین چگونه توانسته موانع را از بین ببرد تا بتواند به اهدافش برای تهیه وسایل پزشکی در این روزگار کرونایی برسد؟**

نمی‌توانم بگویم در تمام موارد موفق بوده‌ایم همان‌طور که اشاره کردم برای مواردی که صرفا کمک مالی بوده است با توجه به علاقه‌مندی‌هایی که ابراز شده بود میزان موفقیتمان به نسبت کم بوده است و می‌توانستیم فعالیت‌های بیشتری انجام دهیم ولی در مورد اهدای کالاها یا بر عهده‌گرفتن هزینه‌های حمل‌ونقل یا برعهده‌گرفتن هزینه‌های تأمین آنها با توجه به رایزنی‌هایی که با افراد مختلف داشتیم، سعی کردیم مسائل را سروسامان دهیم. البته این را استحضار دارید که با توجه به شرایطی که کووید ۱۹ در سراسر جهان ایجاد کرد بسیاری از کشورها، صادرات اقلام مختلفی پزشکی را ممنوع کردند و این مقوله هم مشکل دیگری بود. ما برنامه‌ریزی‌هایی داشتیم که مثلا ماسک N95 را تأمین کنیم هرچند توانستیم در کمتر از دو یا سه هفته ۲۲۰ هزار ماسک وارد کنیم. اما تلاش داشتیم تا از بازار ترکیه که هنوز شیوع این بیماری در آن اعلام نشده بود تعداد بیشتری تأمین کنیم خب، واردات از این کشور برای ما مزایایی داشت مثلا نزدیکی مرز زمینی، نقل و انتقالات مالی و سرعت انتقال همه جزء مزایا بود که که ناگهان این کشور هم صادرات را ممنوع کرد، نه فقط برای ایران بلکه برای همه کشورها. همین اتفاق برای کشورهای اروپایی و آسیایی هم به دلیل نیازهای داخلی کشورها رخ داد در واقع نه تنها محدودیت ناشی از تحریم بوده بلکه ممنوعیت و شرایط ویژه‌ای هم به دلیل این بیماری پیش آمد.

**شما و همکارانتان چند ماه است با اهداف خیرخواهانه و بدون کسب درآمد، در صدد تهیه اقلام پزشکی برای این شرایط کرونا بوده‌اید. بارها اعلام شده است که تحریم برای موارد پزشکی و بهداشتی نیست اما خود ما که در ایران هستیم به شدت کمبود دارو از انسولین تا موارد دیگر را حس می‌کنیم و به نظر شما چقدر مسائل به بحران مدیریت برمی‌گردد و چقدر به تحریم‌ها؟**

ما با کمبودهایی در کشورمان چه در اقلام بهداشتی، چه سایر موارد یا با هر دو پدیده مواجه هستیم؛ هم با ضعف‌های مدیریت داخلی خودمان و مشکلات و مسائلی که ناشی از توان کمتر مدیریتی و برنامه‌ریزی به نسبت آن چیزی که باید از آن برخوردار باشیم روبه‌رو هستیم و هم تحریم بین‌المللی و محدودیت‌هایی که در زمینه نقل و انتقال پول و کالا وجود دارد و هر دو اینها در کنار هم نقش ایفا کرده است و هردوی اینها سهم دارد در آن چیزی که ما امروزه با آن به عنوان کمبود دارو، تجهیزات پزشکی یا تجهیزات مواجه هستیم. اگر بخواهیم کل ماجرا را به یک سمت نسبت دهیم باعث ساده‌انگاری در رویارویی با مسئله می‌شود و طبیعتا نمی‌توانیم برایش برنامه‌ریزی درستی داشته باشیم. البته در برخی اقلام طبیعتا مسئله تحریم خیلی پررنگ‌تر است و در برخی موارد نحوه تصمیم‌گیری داخلی، مسائل حکمرانی و نحوه مدیریت ما تأثیر جدی‌تری دارد اما در کلان که نگاه می‌کنیم هردو نقش ایفا می‌کنند.

**آیا این کمپین ادامه دارد یا با آغاز تابستان و فروکش‌کردن همه‌گیری کرونا پایان می‌یابد؟**

فاز دوم کمپین که از ابتدای ماه رمضان آغاز شده است، بر توزیع اقلام ضروری تمرکز دارد. در فاز اول اولویت با مراقبت و محافظت از کادر درمان بوده است و اینکه آنها را مجهز کنیم، بیمارستان‌ها را تجهیز کنیم و سعی کردیم این نیازهارا برطرف کنیم. در فاز دوم یعنی «ضیافت نفس» که ۱۰ روز مانده به ماه رمضان برنامه‌ریزی‌هایش را آغاز کردیم و اکنون فعالیت‌های اجرائی‌اش را به سرعت پیگیری می‌کنیم تهیه اقلام ضروری مدنظر است. با توجه به فضایی که قرنطینه و شرایط خاص کرونا ایجاد کرده، تعداد زیادی درآمد و کار خود را از دست داده‌اند. افراد آبرومندی که دچار مشکلات معیشتی شده‌اند و نیاز به اقلام غذایی دارند. به همین دلیل در فاز دوم با کمک اتاق تهران، اتاق ایران و افق کوروش و چندتا از خیریه‌های قدیمی و پرتوان تلاش کردیم ۱۰۰ هزار بسته که هر کدام حامل ۱۴ قلم باشند را تهیه کنیم و پس از شناسایی در اختیارشان قرار دهیم. هدفمان این بوده که علاوه بر کمک معیشتی، آبروی آن افراد را حفظ کنیم و خدای‌نکرده مانند برخی گروه‌ها و افراد که به دلایلی رعایت حال خانواده‌ها را نکرده بودند، با حفظ کرامت انسانی بن‌ها اهدا شود که تاکنون در اختیار ۴۰ هزار خانواده در سراسر کشور قرار گرفته است. اما درباره اوج‌گیری دوباره کرونا ما امیدواریم این‌گونه نباشد اما در فاز سوم با توجه به منابعی که در اختیارمان هست و برنامه‌ریزی‌هایی که قرار است انجام شود درصددیم به حمایت از کادر درمان به شکل خلاقانه‌ای بپردازیم. به شدت امیدواریم دوباره کرونا اوج نگیرد و به تجهیز دوباره و تهیه اقلام بهداشتی نیاز نداشته باشیم. با توجه به اینکه کادر درمان روزهای متمادی است که در حال فعالیت بوده و در کنار خانواده‌شان نبوده‌اند، درصددیم از آنها تقدیری شود؛ البته به شیوه‌ای که تحریک اقتصادی برای شکل‌هایی از فعالیت‌های اقتصادی که به صورت پنهان و آشکار در این مدت آسیب دیده‌اند قصد داریم این کارها برای افزایش روحیه کادر درمان نیز مفید باشد. در شورای مشورتی کمپین در حال صحبت هستیم هنوز البته قطعی نشده مثلا یک‌سری کارت‌های هدیه داده شود که بتوانند فرد یا با خانواده از خدمات گردشگری استفاده کنند به این ترتیب هم از آنها تقدیر شده و هم تحریک تقاضا برای صنعت گردشگری آسیب‌دیده ما شکل گرفته است. به این ترتیب شاید با یک تیر دو یا سه نشان بزنیم البته جزئیات باید بررسی شود طرح‌های متعددی هست که هرکدام باید مزایا و معایبشان امکان‌سنجی شود و بررسی شود چه گروه‌هایی در کنارمان قرار گیرند که زنجیره ارزش‌آفرینی کامل شود که به تدریج اعلام خواهد شد.

پیشخوان

### شبح مردم

شماره شانزدهم مجله مروارید با عنوان «شبح مردم» منتشر شد. در شماره شانزدهم این نشریه که در حال‌وهوای متفاوت روزگار کرونایی و با شرایط قرنطینه با مقالاتی از مراد فرهادپور و مرحوم فریبرز رئیس‌دانا منتشر شده است، موضوع اصلی «مردم» است و تلاش شده به این پرسش پاسخ دهد که «وقتی می‌گوییم مردم، از چه حرف می‌زنیم؟» در بخشی از سرمقاله نوشته شده: «همچنان که هیچ مفهومی چون «مردم» تا بدین حد تفسیرپذیر نبوده است. اما چه شد و چگونه شد که «مردم» مفهومی اینچنین آماده تفسیر شد؟ دقیقاً از چه زمانی «مردم» برای عده‌ای توده‌ای بی‌شکل و خالی از تفکر شد که می‌توانند هرطور که بخواهند به آن شکل دهند؟ دقیقاً از چه زمانی برخی با تکرار مدام و مادام واژه «مردم» هر گزاره درست یا خطایی را به «خواست» و «مطالبه» آنها نسبت دادند و با دلیل و بی‌دلیل خود را نماینده «مردم» خواندند؟ این «مردم» دقیقاً کیستند که همه خود را نماینده آنها می‌دانند؟» به همین دلیل

در بخش‌های مختلف این نشریه سعی شده به این پرسش‌ها از منظرهای مختلف جواب داده شود. در بخش اندیشه، مقالات و گفت‌وگوهایی با موضوعات «مفاهیم و ساختارهای قدرت» و «دموکراتیسم نیاز به اقتصاد مردم‌سالار دارد» و «نوبت پرسش از روشنفکری مردم‌گرا» به چاپ رسیده است. صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول این دوماهنامه گیتا علی‌آبادی و سردبیر آن پژمان موسوی است که در ۱۲۸ صفحه و با قیمت ۱۵ هزار تومان منتشر شد.

آکادمی

## پزشک خوب، پزشک رایگان نیست

بابک زمانی
نورولوژیست

بعد از آن‌همه محاسبات ازسوی اقتصاددانان و آن‌همه گفت‌وگو ازسوی برنامه‌ریزان به‌علاوه آن‌همه شعار و بیلبورد در تقدیر از جامعه پزشکی در جریان بحران کرونا، سرانجام تعرفه خدمات پزشکی تنها ۱۵درصد افزایش یافت؛ قیمت مکان فیزیکی‌ای که لابد برای کار پزشکی لازم است، هرازچندگاه چندصد درصد افزایش می‌یابد. مایحتاج عمومی به همین ترتیب. قیمت دستگاه‌های پزشکی چنان با قیمت ارز افزایش یافته که تهیه مجدد آنها امکان‌پذیر نیست. تعرفه‌های موجود بخش کوچکی از هزینه استهلاک این دستگاه‌ها هم نیست. در خیال هم جرئت نمی‌کنی به رئیس بیمارستان آموزشی‌ای که سخت درگیر تهیه مایحتاج اولیه بیمارستان است بگویی دستگاهی که دستیاران با آن کار می‌کردند و آموزش می‌دیدند و تشخیص بیماران دقیق‌تر می‌شد، از کار افتاده یا به‌زودی از کار خواهد افتاد. تهیه هر یک از قطعات دستگاه‌های رادیولوژی گاه با قیمت خرید خود آن دستگاه در سال‌های گذشته برابری می‌کند. سیستم سلامت درحال‌حاضر ساختمانی است که تنها با سوزاندن در و پنجره‌هایش دارد گرم می‌شود. درک چارچوب ذهنی یا ذهنیات افرادی که چنین تصمیماتی می‌گیرند کار دشواری است. آیا این ذهنیات در حدی هستند که هنوز «اقتصاد سلامت» را با «پول دکتر» اشتباه می‌گیرند؟ ذهنیاتی که سال‌ها تحصیل و دودِ چراغ نتوانسته بر پیش‌فرض‌هایشان و تصوراتی که «سیستم سلامت» را با «پزشک سر کوچه» و «پزشک خوب» را با «پزشک رایگان» اشتباه می‌گیرند، کوچک‌ترین تأثیری بگذارد. آیا متوجه نیستند که تدوین تعرفه کلی برای یک کشور معنایش میزان پرداخت به سلامت در تمام سیستم‌ها از خصوصی و دولتی و در تمام سطوح است که تأثیری شگفت‌آور بر کیفیات سلامت می‌گذارد؟ کدام تحلیل نبوغ‌آمیز خدمات پزشکی را از شمول قوانین اقتصاد رهایی بخشیده است؟ آیا توان نظارت کیفی بر کار پزشکی را در خود و در کشور نمی‌بینند که از صرف مبلغ برای سلامت اکراه دارند و همه‌چیز را به تعارف و شعار ارجاع می‌دهند؟ در همان ذهنیات قدیمی و کودکانه هم هر کسی می‌فهمد که برای به‌دست‌آوردن هر کیفیتی باید هزینه آن را پرداخت. تنها لازم است نظارت کنید که هزینه به بهترین مصرف خود رسیده باشد. وقتی که نظارت اجتماعی ازطریق دولت و نهادهای مدنی بر کیفیت سلامت، اساسا وجود ندارد و در عوض تنها به‌شیوه عهد عتیق «فرد» بیمار می‌تواند از «فرد» پزشک شکایت کند و هیچ مکانیسم «اجتماعی» برای نظارت بر کیفیت سلامت -آنگاه که جرمی رخ نداده و شکایتی نشده- وجود ندارد، عاقلانه‌تر نیست که دولت به‌جای تعرفه‌گذاری و بعد ناپدیدی، به کارکرد مدرن و مداوم خود بپردازد؟ یعنی به نظارت بر کیفیت سلامت و رعایت عدالت و صداقت در تعاملات مربوط به آن، تا اطمینان حاصل شود هزینه انجام‌شده در آینده به بار خواهد نشست. اینکه سرانه درمان در کشور ما جزء پایین‌ترین‌های دنیا نیست آیا جز هدردادن منابع و لزوم نظارت معنای دیگری دارد؟ در این حرف‌ها تردیدی نیست. اما شاید دلیل اصلی این باشد که هنوز سلامت را با تمام دانش پیچیده و تکنولوژی مدرنش باور نکرده‌ایم. شاید ناباوری به دانش پزشکی این تکنولوژی را در ذهنیات ما به کیسه‌های کوچک عطاری‌ها تقلیل داده و نمی‌فهمیم عطار در مقابل این گردهای بی‌مقدار (بخوان نوشتن چند کلمه بر کاغذ) اصلا چرا پول می‌گیرد؟ شاید هم یک دلیل این باشد که هیچ سیستمی برای ثبت خسارت چنین تصمیماتی از اساس وجود ندارد. سیستم ثبت هم خود مستلزم هزینه است؛ هزینه‌ای که وجود ندارد و انجام نمی‌شود؛ چراکه هنوز لزوم آن را درک نکرده‌ایم. احتمالا درک کیفیات پایین سلامت بسیار دشوارتر است تا درک کمبود گندم و برنج، وگرنه در آنجا هم با چنین تصمیماتی ریشه هرچه کشاورزی است از ریشه می‌خشکید. شاید هم خود را مشرف بر مصالحی می‌دانند که در این اذهان مقدم بر هر موضوع دیگری است. در این زمینه هم باید گفت اشکال ایشان در تشخیص جایگاه سلامت در مسائل مربوط به مصالح ملی است. انکار واقعیات و پایین نگه‌داشتن تعرفه‌هایی که باید براساس آنها به اعضای هیئت‌علمی و دستیاران دستمزد پرداخت شود، مخارج جاری بیمارستان‌ها تأمین شود، دستگاه‌های جدید خریداری شده و ساختمان‌های مدرن ساخته شوند، تحقیقات در بیمارستان‌ها انجام شود و همه هزینه‌های ثبت و گزارش بیماری‌ها به حساب آیند، هیچ نتیجه‌ای جز ویزیت‌های فله‌ای مکرر، راهروهای تنگ و شلوغ بیمارستان‌های آموزشی و سپردن اقتصاد بخش خصوصی به کارهای نه‌چندان ضروری -تولید مصرف- نخواهد داشت. مصارف لوکسی که ابتدا توانگران استفاده می‌کنند، اما به‌سرعت اخلاقیات و سلایقی می‌آفرینند و هزینه این‌گونه اعمال هم بر سبد مخارج همه خانواده‌ها، حتی کم‌درآمدترین اقشار سنگینی خواهد کرد. در خاتمه باید گفت ارزان‌فروشی ضرورتا به افت درآمد نمی‌انجامد. (حاجی‌ارزونی سر کوچه هم همین موضوع را حتی برای اذهان ساده‌اندیش پیش‌گفته اثبات می‌کند). به‌علاوه اصرار بر خرید ارزان، ثروت‌های عظیمی را بر باد داده است. اخطارهای مکرر جامعه پزشکی و نهادهای رسمی آن هم بیش از هر چیز در جهت کیفیت سلامت و حفظ اصول در جامعه پزشکی است و نه درآمد، گرچه بی‌تردید بسیاری از پزشکان از عمومی گرفته تا متخصص با این تعرفه‌ها دچار مشکلات معیشتی هم خواهند شد.

پرنده آبی

## آیا مدارس آماده بازگشایی هستند؟

تصاویری که از زندگی با کرونا در روزهای اخیر از ایران و شهرهای مختلف جهان مخابره شده نشان می‌دهد که تا زمان کشف درمانی برای این بیماری باید حضور پررنگ آن در زندگی اجتماعی را بپذیریم. تصاویر رستوران‌هایی در آمستردام که فضای شخصی هر مشتری از دیگری با دیواری شیشه‌ای جدا شده یا مدارسی در چین که بچه‌ها را با تجهیزات کامل بهداشتی و ضدعفونی می‌پذیرند، تنها بخشی از حضور پررنگ این المان‌ها در زندگی اجتماعی ماست. در ایران هم حالا گام‌به‌گام محدودیت‌ها برداشته می‌شود تا شرایط به وضع عادی بازگردد. احتمالا یک تابستان با محدودیت در انتظار ماست و همان‌طور که وزیر بهداشت و معاونانش خبر داده‌اند، یک پاییز سخت هم بار دیگر ما را با کرونا و آنفولانزا تهدید می‌کند. مسئولان از این گشایش ایجادشده استفاده کرده‌اند و حالا یکی‌یکی قفل تعطیلی از اماکن شلوغ برداشته می‌شود. وزیر آموزش‌وپرورش هم در همین راستا روز گذشته خبر داد که از هفته آینده و به صورت محدود مدارس بازگشایی می‌شود. محسن حاجی‌میرزایی روز گذشته گفت که حضور دانش‌آموزان از ۲۷ اردیبهشت در مدارس اجباری نیست و آنها در صورت نیاز می‌توانند برای رفع مشکلات و سؤالات از معلمان به مدرسه مراجعه کنند. حاجی‌میرزایی در سه ماه اخیر برای ادامه سال تحصیلی تلاش زیادی کرد. اگرچه تصمیم آنها برای ادامه سال تحصیلی با حدود سه ماه آموزش از راه دور و آنلاین مورد پسند خیلی‌ها نبود، اما به گفته خود وزیر برای حفظ سال تحصیلی و عدم آسیب به سایر موارد تقویم تحصیلی کشور در شرایطی بحرانی سال تحصیلی ادامه پیدا کرد. آموزش آنلاین همان‌طور که بارها و بارها به آن پرداختیم، کاستی‌هایی داشت که هنوز برطرف نشده، اما بااین‌همه متولیان آموزش کشور قصد دارند با همین سطح از آموزش، هم امتحانات پایان سال را برگزار کنند و هم اینکه کنکور سراسری را از دست ندهند. اگرچه برخی از نمایندگان مجلس معتقد بودند فرصت کرونا بهانه خوبی برای پایان‌دادن به امپراتوری کنکور است، اما در نهایت نتوانستند به نتیجه برسند و یک سال تحصیلی پر از تعطیلی و خانه‌نشینی برای دانش‌آموزان در حال پایان‌یافتن است. نکته اما در اینجاست که پایان سال تحصیلی در انتهای بهار ۹۹ هم حتی پایان ماجرا نیست و با توجه به پیش‌بینی‌های صورت‌گرفته، پاییز پیش‌رو هم قرار است محل جولان‌دادن کرونا باشد و ازاین‌رو هیچ بعید نیست که سال تحصیلی بعدی هم با چنین معضلاتی همراه باشد. کمااینکه همین الان برای بازگشایی مدارس و تأکید بر حضور اختیاری بچه‌ها در مدرسه‌ها نگرانی‌هایی وجود دارد. مهم‌ترینش آماده‌نبودن مدارس برای پذیرایی از دانش‌آموزان با رعایت اصول بهداشتی است. تراکم بالای کلاس‌ها و حضور دانش‌آموزان در نیمکت‌هایی سه‌نفره یکی از بزرگ‌ترین دغدغه‌های والدین است. علاوه‌براین آیا مدارس به وسایل بهداشتی و ضدعفونی‌کننده مناسب هم دسترسی دارند یا خیر، این هم موضوع دیگری است که نگرانی‌هایی را درباره بازگشایی مدارس ایجاد می‌کند. همه این نگرانی‌ها که این روزها بازتاب آن را در اظهارنظر والدین در شبکه‌های اجتماعی به وفور می‌بینیم ممکن است نهایتا به این مسئله منجر شود که آموزش دانش‌آموزان در سال تحصیلی جدید هم مانند سه ماه گذشته باشد؛ موضوعی که رئیس‌جمهور هم چندی پیش بر آن تأکید کرد. حسن روحانی چند روز پیش در مراسم بزرگداشت مقام معلم درباره استفاده از شبکه شاد و آموزش مجازی دانش‌آموزان گفت: «اصلا وقتی که مدارس هم باز شود، باز ما به داشتن این سامانه نیازمند هستیم و ممکن است از آن برای پیام‌هایی که آموزش‌وپرورش می‌خواهد ارائه دهد استفاده شود. پس به غیر از حفظ این سامانه و اصلاح و تکمیل آن ممکن است روزی به این نتیجه برسیم که بخشی از تحصیل را می‌توان به این شکل ادامه داد و این در تغییر شکل کار آموزش ما تأثیر می‌گذارد».

یادبود

## «پرویز شهریاری» دغدغه تست و کنکور و یک نکته

هوشنگ شرقی
معلم ریاضی

● ۲۲ اردیبهشت یادآور سالگرد وفات زنده‌یاد «پرویز شهریاری» در سال ۱۳۹۱ است. درباره کتاب‌ها، مقالات و کارهای ماندگار این استاد بنام ریاضیات و آموزش ریاضی و تأثیر او بر جامعه ریاضی ایران، بسیار گفته‌اند و این‌جانب نیز در نخستین سالگرد وی مقاله‌ای با عنوان «کسی که مثل هیچ‌کس نیست» در ویژه‌نامه «شرق» داشتم؛ اما در اینجا می‌خواهم با ذکر یک نکته تازه، به یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های ایشان (که دغدغه اکثر اهالی فرهنگ هم هست)، یعنی داستان تلخ و تکراری کنکور تستی بپردازم. آنها که با ایشان و سخنانش آشنا بودند، می‌دانند که ایشان از دیرباز از منتقدان جدی کنکور و تست بودند و در این باب، مقاله‌ها نوشتند و سخنرانی‌ها کردند و به مسئولان امر تذکر دلسوزانه دادند و البته با دلایل منطقی آشکار درباره آثار ویرانگر این سبک آزمون بر روح و روان جوانان کشور و آثار تبعی آن بر فرهنگ ایران توضیح می‌دادند. به یاد دارم که در سال‌های آخر دهه ۷۰، یک بار در جلسه‌ای خصوصی به ایشان عرض کردم که به هر حال آزمون تستی هم نوعی امتحان است، آیا تأکید بیش از حد بر مذمت تست، آدرس غلط دادن نیست؟ مشکل اصلی جای دیگر است، سال‌ها پیش هم کنکور تستی برگزار می‌شد، ولی این همه مسائل حاشیه‌ای نداشت؛ ریشه مشکل اینجاست که در آن زمان‌ها، اولا مدرک تحصیلی دیپلم و حتی پایین‌تر از آن اعتبار داشت و با آن به‌سادگی می‌شد کاری پیدا کرد و ثانیا عبور از پایه‌های مختلف تحصیلی و به‌خصوص امتحان نهایی سال آخر به‌راستی دشوار بود و در نتیجه عطش کنکوردادن و دانشگاه‌رفتن به اندازه حالا نبود و کسی که دیپلم می‌گرفت، احساس رضایت می‌کرد و رقابت شدید امروزی نبود که حواشی کنکور ناشی از آن است. ایشان ضمن اینکه نظر من را قبول داشتند، باز هم تأکید داشتند که کنکور و به‌خصوص تست، مضرات خاص خودش را دارد و در نهایت بحث‌مان به نتیجه قطعی نرسید. در سال‌های بعد،

تست و نکته و تست‌بازی چنان اوج گرفت و انواع و اقسام شیوه‌ها برای جذب و جلب دانش‌آموزان، چنان فضایی ایجاد کرد که به قول معروف، آش چنان شور شد که خان هم فهمید! و فریادهای اعتراض و اعلام خطر نسبت به سیطره این فضای ضدفرهنگی از هر سو برخاست و بسیاری از دلسوزان، دردآشنایان و متولیان امر آموزش‌وپرورش کشور هم با آنان هم‌صدا شدند؛ منتها آنچه البته به جایی نرسید، فریاد بود! این حقیر هم چندین مقاله دراین‌باره در نشریات گوناگون نوشتم که آخرین آنها با عنوان «داغ و درد کنکور سراسری» در ۱۳ تیر ۱۳۹۷ در همین روزنامه به چاپ رسید که در آن با ذکر حداقل هشت مورد از آثار مخرب کنکور تستی، عوارض سوء آن را برشمردم. در اردیبهشت امسال و در آستانه هفته معلم، جامعه ریاضی ایران یکی دیگر از دلسوزان عرصه آموزش و معلمی را از دست داد. زنده‌یاد دکتر «محمدکاظم نائینی» از نسل اول دانش‌آموختگان دانش‌سرای عالی، همکلاس و دوست دیرین شهید «رجایی» و از شاگردان پروفسوران «تقی فاطمی» و «هشترودی» بود. در مصاحبه‌ای که در سال ۱۳۹۵ با ایشان برای مجله ریاضی برهان داشتیم،* از ایشان درباره کتابی به نام «هزار نکته در هزار تست» که در سال ۱۳۵۰ به چاپ رسانده بودند، پرسیدم و ایشان توضیح دادند: «همه شاگردان من می‌دانستند که من با تست و روال کنکور تستی کاملا مخالفم و معتقدم تست وسیله سنجش است و نه آموزش و فقط مباحث کتاب درسی را به صورت تست درآوردم». به نظر من نکته اصلی همین‌جاست؛ مسئولان عرصه آموزش کشور، اگر هم معتقدند آزمون ورودی دانشگاه‌ها باید به صورت تستی برگزار شود، لااقل باید از نفوذ آن در ساحت آموزش‌وپرورش جلوگیری کنند؛ کاری که می‌باید سال‌ها پیش و در همان هنگام که «شهریاری»ها زنگ خطر را به صدا درآوردند، انجام می‌شد، ولی متأسفانه درست برعکس آن عمل شد. اجازه بدهیم تست با همه معایبش، لااقل فقط و فقط ابزار سنجش باشد و نه اینکه مانند امروز، عرصه آموزش رسمی کشور را به جولانگاه خود بدل کرده و معلم خوب معلمی باشد که «روش‌های تستی» بیشتری ارائه می‌دهد! در مقاله‌ام در نقد کنکور که پیش‌تر اشاره شد، به آثار ویرانگر چنین تفکری مفصل اشاره کرده‌ام. پس در انتهای این دردنامه و یادنامه، پیشنهادم در آن مقاله را تکرار می‌کنم: متولیان آموزش‌وپرورش با قاطعیت تدریس هرگونه تست و روش‌های تستی و تبلیغ و استفاده از کتاب‌های کنکوری و تستی را در مدارس کشور ممنوع اعلام کرده و کاری کنند که تست و آزمون تستی، مثل قدیم، فقط ابزار سنجش باشد تا بعد فکری اساسی برای حذف کنکور تستی و ارائه جایگزینی مناسب به جای آن شود.

**پی‌نوشت:**

* علاقه‌مندان برای مطالعه متن کامل مصاحبه مزبور می‌توانند به سایت مجلات رشد (www.roshdmag.ir) آرشیو مجله برهان متوسطه ۲ (دوره بیست‌وششم - شماره ۸، اردیبهشت ۱۳۹۶) با عنوان «استاد ریاضی، یار دبستانی شهید رجایی» مراجعه کنند.